روزانه ۵۰ تن زباله در کیش تولید می شود

مدیر خدمات شهری شرکت عمران و خدمات کیش می گوید: از۵۶ هزار تن زباله تولیدی درکشور ، ۵۰ تن سهم جزیره کیش می باشد . "فرامرز فرجی" با بیان این مطلب ، افزود: دفن بهداشتی این حجم از زباله علاوه برتحمیل هزینه های هنگفت جمع آوری و دفن باعث هدر رفت سرمایه های ملی و منابع طبیعی نیز می شود .وی با اشاره به اینکه دفن زباله ها فضای بسیار زیادی را به خود اختصاص می دهد، تاکید کرد: بهترین روش برای حل این معضل، بازیافت مواد یا همان روش تفکیک زباله ها از مبدا (محل تولید) است .مدیر خدمات شهری کیش با بیان اینکه از ابتدای این طرح افزون بر ۶۰۰ تن مواد قابل بازیافت جمع آوری شده است، اعلام کرد: با انجام این طرح تا کنون بیش از ۳۴۰ میلیون ریال در هزینه های جمع آوری، صرفه جویی شد و از طرفی دیگر از دفن ۶۰۰ تن مواد بازیافتی نیز جلوگیری به عمل آمد .

این مسوول شرکت عمران و خدمات شهری همچنین از اجرای برنامه های مرتبط با نهادینه ساختن فرهنگ بازیافت در کیش خبرداد و گفت: آموزش و اطلاع رسانی چهره به چهره آموزشگران با مردم کیش همراه با تحویل بروشورهای مربوطه، نصب بنر در محل های پرتردد، راه اندازی سیستم تلفن پاسخگو و همچنین رسیدگی به شکایات و پیشنهادات (۴۴۵۰۰۳۴)توزیع کیسه زباله های بهداشتی در رنگ های مختلف، نصب سطل های ویژه و ... از برنامه های متنوعی است که برای ترغیب شهروندان به طرح بازیافت زباله انجام شده است .

امام جمعه "قشم":

"احمدی نژاد" سیاست های غلط آمریکا را به چالش کشید

امام جمعه شهرستان قشم گفت: احمدی نژاد بعنوان فرزند رشید و بسیجی ایران اسلامی با اقتدار برای چندمین بار سیاست های غلط دولت اوباما را در خود آمریکا به چالش کشید . حجت الاسلام والمسلمین سید داود موسوی در خطبه دوم نماز جمعه قشم افزود: آمریکا و متحدانش و رژیم صهیونیستی که به زبان حقیقت گوی رییس جمهور مکتبی ایران واقفند، از حضور احمدی نژاد در مجامع بین المللی وحشت، دارند .

وی گفت: تلاش گسترده ای برای ممانعت از حضور رییس جمهور ایران در کنفرانس بررسی معاهده منع گسترش سلاح های هسته ای در نیویورک انجام شد، اما احمدی نژاد با حضور مقتدرانه در این کنفرانس و پیشنهادهای منطقی ۱۱ گانه خود بار دیگر سیاست های دوگانه استکبار جهانی را به چالش، کشید .

روی خط مشاوره

انتخاب همسر و عوامل موثر در این انتخاب

۲-جذابیت جسمی :یکی از هدفهای اساسی ازدواج ایجاد آرامش روحی و روانی زوجین است.زیبایی نخستین چیزی است که جلب توجه می کند .انتخاب همسر بر عواملی چون شخصیت و منش طبیعی،فضایل روحی و روانی تکیه و بر اساس این معیار نسبتاً پایدار استوار می شود .

توجه بیش از حد به جذابیت جسمی در انتخاب همسر ضروریت ندارد زیرا این جذابیت بعد از مدتی نه تنها از بین می رود بلکه رفته رفته به صورتی عادی برای طرفین در می آید.

۳-در آمد:گروهی بالا بودن منبع در آمد و داشتن امکانات رفاهی را از ضرورات ازدواج می دانند .

در جامعه و شرایط کنونی هر یک از زوجین باید در کنار هم برای تامین نیازهای زندگی تلاش کنند. تامین امکانات رفاهی و مادی زندگی نمی تواند زوجی را خوشبخت کند چنین امکاناتی می تواند مشکلات را کمتر کند همیشه موفقیت را تضمین نمی کند .

۴-میزان تحصیلات:یکی از ویژگیهای انسان کمال طلبی است. بالا بردن تحصیلات،رابطه مستقیمی با سعادت و خوشبختی انسان دارد و از فساد و تباهی جلوگیری می کند.

تمامی افراد جامعه چه زن و چه مرد باید برای بیشتر دانستن تلاش کنند تا سعادت خود را تضمین کرده و به سمت رشد و تکامل حرکت کنند.

بسیاری از اختلافات و درگیری های زناشویی ابتدا از چیزهای به ظاهر بی اهمیت شروع می شود و زمینه ساز عصبانیت ها و درگیری های زوجین می شود.

این درگیری ها و اختلاف ها زمانی که زوجین از نظر سطح و میزان سواد در یک سطح نباشند اوج گرفته و ریشه دارتر می شود.در بیشتر مواقع دیدگاه و بینش فرد تحصیل کرده نسبت به محیط خانوادگی و مسائل و مشکلات واقع بینانه تر و منطقی تر می باشد.اختلاف سطح تحصیل بین زن و شوهر درک متقابل بین آنان را کم می کند و این زمینه مناسبی برای اختلاف و درگیری های زناشویی است.

وای برما، با چنین کج داوری ها مان!!

سحر شاکرمی(س-شفق)

آروم آروم قدم می زنم . نگاهمو دور و برم می چرخونم ، حوصله ام به کلی سر رفته امروز کلاسم تشکیل نشده و دوستم سارا هم دانشگاه نیومده ... راهمو به سمت درب اصلی دانشگاه ادامه می دم .

چشمم به حراست دم در میفته نگاهمو روی لباسم میندازم ، تو دلم میگم " وای خدا کنه بهم گیربدن، خیلی حوصله ام سر رفته ! "با خوشحالی به سمت شون می رمو کنار خانمای چادر به سر حرکتمو کند می کنم ... اه ! حتی یه تذکر کوچولو هم بهم نمی دن ،ازشون لجم می گیره آستینامو بیشتر می کشم بالا و می گم "سلام خسته نباشید ، لباسای من ایرادی نداره؟ ! " با تعجب بهم نگاه می کنن چشماشون گشاد شده .

یکی از خانمها میگه " بله؟ ! " تازه فهمیدم چه غلطی کردم میگم "هیچی هیچی ببخشید" سریع ازشون دور می شم صداشون رو از پشت سرم می شنوم "خانوم وایستا ... " وقتی ازشون به اندازه کافی دور می شم ،نفس عمیقی می کشم اونوقت تازه فهمیدم به جای اینکه از دانشگاه خارج شم باز جلوی دانشکده فنی ام ! از کارم خندم می گیره وقتی یاد قیافه خانمای حراست میفتم ،دیگه نمی تونم جلوی خندموبگیرم همین طور که از شدت خنده خم شدم میرم روی یکی از نیمکت های کنار حوض می شینم واشکامو که از شدت خنده جاری شده پاک می کنم .

به پشتی نیمکت تکیه می دم حوصله خونه رو ندارم ، حوصله هیچ جا رو ندارم . کاش حداقل سارا یه امروز باشگاه نرفته بود چقدر دلم براش تنگ شده ...

سرمو بالا می گیرم نگاهم به آسمون بدرنگ همیشگی مون می افته . چقدر حالم ازش بهم می خوره ... سرمو میندازم پایین چشمامو می بندم و تصمیم می گیرم هرکی از جلوم رد شد ، حدس بزنم چه ادکلنی زده و از روی بوش پی به شخصیتش ببرم ! شروع می کنم؛ اولی "شالیس" ، یه آدم سطح پایین - دومی " جوپ" دوست داره آدم با کلاسی باشه ولی نیست - سومی "هاووک " یه شخصیت خیلی خیلی جذاب - این یکی عطر عربی زده " شیخ " باید خیلی دوست داشتنی باشه ... همین طور به دیوونه بازیم ادامه میدم که ناگهان احساس میکنم یکی کنارم نشسته .

بوی ... نمیدونم یه بوی خاصی میده،بوی تن خودشه ولی خوشایند . چشمامو به آرومی باز می کنم از اونجایی که سرم پایین اول چشمم به کفشاش میفته ، دست دوز بنظر می رسه می فهمم آدم با شخصیتیه! سرمو آروم می گیرم بالا، چشمم به صورتش میفته وای خداجون دهنم باز می مونه.

آقای موسویه ! یکی ازحراستی ها ، اونم از نوع گیرش .پا میشم صاف می ایستم و به سختی می گم "سلام " به جای جواب "سلام میگه" بشین خانم بهزادی "وای خدا به دادم برس ،به آرومی اون سر نیمکت می شینم ،صداشو می شنوم "سوده خانم بهزادی امروز چه خبر ؟ ! "قلبم وایمیسته ،دهنم خشک شده می گم : خبری نیست آقای موسوی . - تا جایی که من می دونستم سارا یوسفی اهل شیطنت بود ! مثل اینکه بیماریش مسریه و شما هم بعد از سه سال توی این دانشگاه بودن حالا می خواین نقش آفرینی کنین ، نه؟ - مثل همیشه که اعصابم خرد میشه گوشه لب مو می گزمو در حالیکه چونه ام شروع به لرزیدن کرده میگم " می خواین بیام تعهدی ، چیزی بدم؟ " صداش خش برمیداره "تابحال شده تومجلس ختم لباس سفید بپوشی یا توی عروسی تور عزا بندازی روی سرت؟ گیج نگاهش می کنم و فقط به این فکر می کنم یعنی می گن مامان و بابام بیان دانشگاه یا نه؟ صداشو می شنوم "حالا برای چی می خوای گریه کنی ؟ "به سختی می گم : بابا من فقط یه شوخی کردم .

- دختر جون با اون قضیه کاری ندارم ولی دارم می گم وقتی دختری مثل تو همچین واکنشی حتی تو ناخودآگاهش هم داشته باشه، وای به حال ما با این قشر دانشجومون ... لب مو بیشتر فشار میدم ،مزه خون رو تو دهنم احساس می کنم شیطونه میگه دهنمو باز کنم ... نه ، نه دو سه ترم چیزی نیست که بخوام از این مشکلات برای خودم پیش بیارم .به آرومی می گم "آقای موسوی من واقعاً معذرت می خوام نمی دونم چی شد ،زد به سرم ! می خواین بیام از خانم شرفی و نامدار هم عذر خواهی کنم ؟ فقط نگام می کنه .هان ! بیام ؟ - آره پاشو بیا ...از پله های ساختمان اصلی دانشکده بالا می ره ، منم بی صدا پشت سرش ریسه شدم. وقتی به آخرین طبقه می رسه به نرده های تراز تکیه می ده .

بی صدا پیشش می ایستم .بر می گرده و تو چشمام نگاه می کنه"من همه شما را مثل بچه هام دوست دارم وتک تک تون رومی شناسم. تا به حال به این فکر کردی که چرا با اینکه لباسای نامناسبی می پوشی،هیچ وقت بهت چیزی نمی گن ؟ "نگاهمو از چشماش جدا می کنم ، آره زیاد فکر کرده بودم .

هیچ وقت به من چیزی نمی گفتن در حدی که برام جالب شده بود یه بار به منم گیر بدن ، ببینم چه مزه ایه ! وقتی منو تو فکر دید گفت "معلومه که بهش فکر کردی خانم مهندس ...حالا من بهت می گم واسه اینکه آدما رو میشه از رنگ نگاهشون شناخت ... "

سرمو بالا می گیرم و به آسمون نگاه می کنم چقدر خوش رنگ شده ، اشکام صورت مو خیس می کنه ... چرا مابچه ها اینقدر ازشون بدمون می یاد وهمیشه پشت سرشون حرف می زنیم. وقتی این همه خوبن ...سرمو پایین میارم ،آقای موسوی نیست و من زیر این آسمون خوشرنگ به رنگ نگاهم فکر می کنم ؟

نیایش

کاش این نوشته ها را بخوانی

سلام ، باز هم من هستم که با شدت تمام این دررا می کوبم و هیچگاه از انتظار دیدنت خسته نمی شوم . با این همه امیدواری نمی دانم چرا گاهی اوقات احساس می کنم فرسنگ ها از تو دورم ، آنقدر دور که فکر می کنم هیچگاه دلنوشته هایم را نمی خوانی و دلت برایم تنگ نمی شود و اشتیاقی برای دیدنم نداری .

خدایا ! چرا گاهی اوقات فکر می کنم حتی راهی به خواب های تو نیز ندارم ، چرا فکر می کنم دسته گل هایم هیچگاه بدست تو نمی رسد و پستچی باد نامه هایم را هرگز به دست تو نمی رساند . چرا فکر می کنم دوستی ما یکطرفه شده و تو قناری خسته و زخمی دلم را نمی بینی؟ چرا این روزها رنگ زردم را نمی بینی و به درد دلم گوش نمی کنی؟ چرا مرا در این جنگل سیاه تنها رها کرده ای؟ چرا دیگر تو را روی نیمکت آبی پارک نمی بینم و این همه خسته شده ام؟

خدایا یادت هست که دیروز باران می بارید ، کاش آنقدر صدایت می کردم تا عاقبت بتو می رسیدم . خدایا ! مرا ببخش، مرا ببخش که هنوز مشق های عاشقانه ام را ننوشته ام ، مرا ببخش که هنوز به دیدارت نیامده ام . مرا ببخش که هنوز نتوانسته ام تو را ببوسم و تمام گلهای سرخ دنیا را نثارت نکرده ام .کاش هیچ گاه فریب شیطان قسم خورده ات را نمی خوردم و از آغوشت پایین نمی آمدم تا اکنون اینقدر ناله کنم که مرا دریابی... کاش هیچگاه دستم را از دستت رها نمی کردم تا تو را گم کنم و اکنون با هزاران چراغ هم نتوانم پیدایت کنم ! کاش هیچ گاه از خانه دلت بیرون نمی آمدم تا اکنون در به در نشانی ات باشم . کاش و هزاران کاش دیگر...

بتول شاکرمی (صبا)

چله نشینی شاد

ز بودن تا شدن

سخن امروز :

اگر از زندگانی تو تنها دو روز باقی مانده باشد ، یک روزش را به فرا گرفتن برای یادگیری و تربیت خود اختصاص بده تا روز دیگر آن چه را یاد گرفته ای به کمک تو بیاید .

امام صادق (ع)

اگر تو به کسی بیاموزی که چه بیندیشد ، او را برده ی دانش خود ساخته ای، اما اگر به او چگونه اندیشیدن را یاد دهی ، همه دانش ها را برده ی او ساخته ای . آموزگار اگر به راستی دانا باشد از شما نمی خواهد که به خانه ی دانش او در آیید ؛شما را به آستانه ی ذهن تان راهبری می کند." جبران خلیل جبران"

پیام امروز :

اگر شروع کار به نظر سخت آید ، به یاد داشته باشیم که در حین انجام هر کاری ، یادگیری جدیدی نیز خواهیم داشت . اجازه ندهیم نداشتن علم و دانش کافی ، ما را از دست یابی به اهداف بلندمان ، باز دارد . لئوبوسکالیا معتقد است که : "ما با آموختن ،از بودن به شدن تبدیل می شویم . " آیا تا به حال به یادگیری یک زبان جدید اندیشیده ایم؟ به نظر سخت می آید ؟اما قبلاً این کار را کرده ایم .

اولین بار ، آن هم زمانی که کودکی بیش نبوده ایم ، لازمه ی هر موردی که نیاز به یادگیری دارد (زبان ، مهارت ، چگونه فکر کردن و ..) پیدا کردن راه آن است . نه تنها موفق خواهیم شد ، بلکه تاثیر و نتیجه ی روش های ابداعی ما تا مدت ها مورد استفاده ی دیگران نیز واقع خواهدشد . بدانیم که برای فروتنی لازم است . به گفته جبران خلیل جبران "آموختن تنها سرمایه ای است که ستمکاران نمی توانند به یغما ببرند . تا وقتی که آموختن را دوست داریم و دلایل آن برای خودمان موجه و جالب است ،قطعاً توانایی جدید را هم یاد خواهیم گرفت . دون خوان می گوید : بدان که در دنیا هیچ چیز مفت نیست ! و چیزی که بایستی آموخته شود ، لازمه اش طی طریق سخت است ، پس اگر قصد یادگیری داری باید به خود ، سخت گیری و انعطاف پذیر باشی . برای اهل معرفت شدن ، باید اراده ای استوار داشت . ما می توانیم با کسب مهارت های جدید به دنبال فرصت های بزرگی باشیم که پیش رویمان قرار دارند . ما می توانیم تحول و دگرگونی را انتخاب کنیم می توانیم موثر بودن را یاد بگیریم . عذر و بهانه زیادی برای انتخاب و آموختن وجود دارد . آن قدر ساده که می تواند همیشه راهی دیگر وجود دارد . ما کیفیت و نتیجه امروز را با اقداماتی که انجام می دهیم ، تعیین می کنیم . نتیجه ی کار بستگی به انتخاب ما دارد . انتخاب کنیم تا روزی بزرگ و موفقیت آمیز بسازیم .

راهکار امروز :

۱ - شنا کردن را در عمیق ترین نقطه یاد بگیرید .

"مثل افریقایی"

۲ - روی خودتان سرمایه گذاری کنید . چیزهایی بخرید که قدرت فکری و کارآیی شما را افزایش دهد .

"دکتر د. شوارتز"

۳ - تصمیم خود را بگیرید و یک زبان جدید را آغاز کنید . همین امروز به فکر ثبت نام در یکی از آموزشگاه ها برای یادگیری زبان مورد نظرتان باشید .

۴ - هر روز باید چیز تازه ای یاد بگیرید و هر روز بر اساس آن چه می آموزید، روش های نوینی برای بهتر زندگی کردن ابداع کنید . زندگی خود را جاودانه و به یاد ماندنی کنید .

"رابینز"

۵ - کسانی که کتاب های خوب نمی خوانند ، هیچ مزیتی بر آن هایی که کتاب نمی خوانند ،ندارند .

"پرومود باترا"

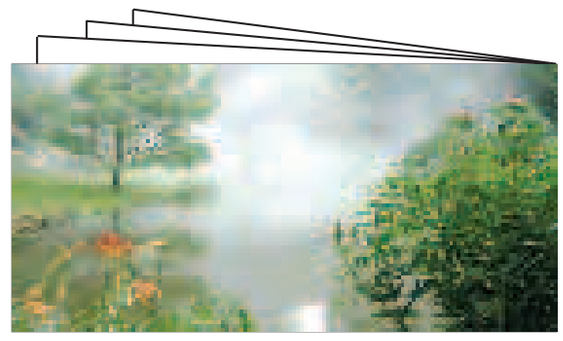

جناب آقای پرویز سالاری

حسن انتصاب شایسته حضرتعالی به سمت معاون پشتیبانی وتوسعه منابع انسانی استانداری که نشان از توانمندی و شایستگی حضرتعالی می باشد راصمیمانه تبریک عرض نموده؛امیداست در سایه توجهات حضرت ولی عصر(عج) موفق و پیروز باشید.

علی سالاری سردری-مدیر روابط عمومی شهرداری منطقه ۲ بندرعباس

مبلمان پاسارگاد

عرضه کننده انواع مبلمان -سرویس خواب -سرویس نوزاد و نوجوان،میز نهار خوری - میز کامپیوتر و میز LCD

نشانی: بندرعباس - بلوار پاسداران (مابین یادبود و سه راه ۲۲ بهمن) روبروی بانک ملی

تلفن: ۰۹۱۷۷۶۱۰۳۲۲-۵۵۵۸۳۱۷

جدول ۱۰۰۰

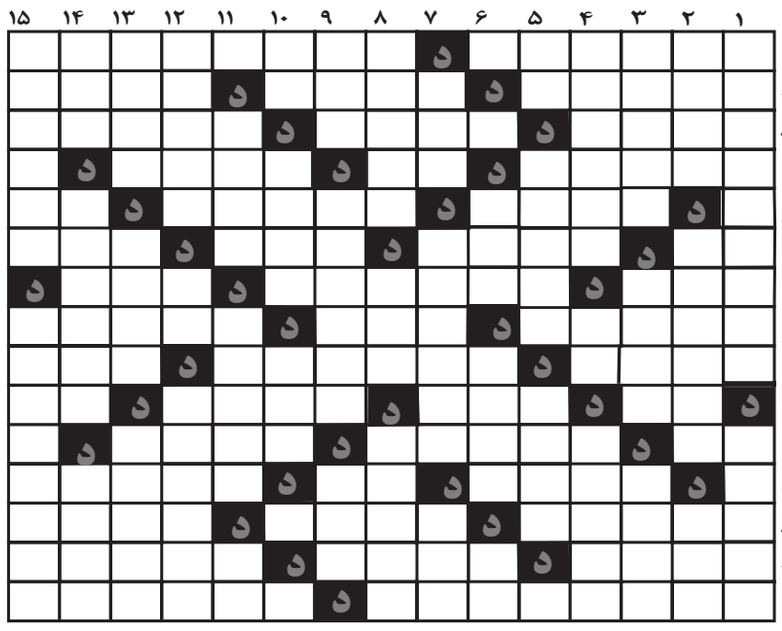

افقی

۱ - راهکار - نمایش بدون گفت و گو
۲- دستگاه گیرنده فرکانس - از تنقلات - حنای دست و پا ۳ - از ماه های رومی - برآمدگی روی پوست ناشی از سوختگی - فراوان ٤ - از زوجات حضرت رسول (ص) - نفس خسته - مورد و نمونه
٥- سرمشق و مظهر - از درجات تحصیلی - نیمه دیوانه
٦ - کاغذ نامرغوب - از توابع استان گیلان - برچسب - ستون بدن
۷ - همراه تب - کشور نوشابه ! - دستگاه سوراخ کن
۸ - زبان یهودیان اروپایی - روز تازی - کمربند فرضی زمین
۹ - فناوری جدید - نام مادر اسفندیار پهلوان ایرانی - قطع سینمایی
۱۰- ساز شاکی - همان سلیس است - از لبنیات - نقش هنر پیشه
۱۱ - جانشین او - دردناک - حتما
۱۲ - هریک از هفت قطعه خشکی بسیار بزرگ زمین - نوعی موسیقی غربی - اسب نر
۱۳ - نان پاره گدایی - نمره ایده آل - بلند
۱٤ - پارتیزان - قاضی ورزشی - آش هفت دانه
۱٥ - از نوشت افزار - پیراستن

عمودی:

۱ - تشک فنری ژیمناستیک - صندلی چرخدار
۲ - از دندان ها - خوراک سنتی اصفهانی ها - نوعی یقه
۳ - اندوه و ملال - درمقابل خوردنی - باز شیمیایی
٤ - جهانگرد - ضمیر بیگانه - مجسمه لباس
٥ - مساوی - مجرایی برای بیرون راندن هوا - عظیم
٦ - کلمه تنبیه و ندا - پوشاک سر - عدد ورزشی
۷ ! - بزرگ تر از چاله - گوشت گوساله یا مرغ که آن را در آرد غلتانده و سرخ کنند- ثروتمند
۸ - اتصال - صدا - زیر دست رئیس کارمی کند
۹ - بالشتک زیر سر شانه لباس - عنصر چهل و هشتم که در آبکاری فلزات به کار می رود - پور
۱۰ - دور دهان - آتشفشانی در ایتالیا - آب و هوا
۱۱ - صفتی برای سیب زمینی - بشر - ماه سرد
۱۲ - نوعی ویندوز - عقب - گونه ای مسلسل پایه دار ۱۳ - مادر حضرت عیسی مسیح (ع) ضد حمله - الهه شکار در نزد یونانیان باستان
۱٤ - شهری در آلمان - واحد اجتماعی شامل مجموعه ای از افراد که دریک خانه و زیر سرپرستی یک نفر زندگی می کنند - ورزش برف و چمن
۱٥ - آهو - پسته کوهی

شرکت کهکشان شبکه

استعمال دخانیات باعث افزایش ضربان قلب ، بالارفتن فشار خون

خطر ابتلاء به بیماری فشار خون بالا و گرفتگی عروق

و نهایتاً ایجاد حمله قلبی وسکته می شود

روابط عمومی وامور بین الملل دانشگاه
علوم پزشکی و خدمات بهداشتی
درمانی هرمزگان